

زمینی خود را بمنظور قیام مسلح سازمان می‌دهند اجرای این برنامه تا باز پس گرفتن این مناطق بتأخیر می‌آفتند ؛ در مناطق آزاد شده ، این برنامه هم اکنون اجرا شده و میشود و از این پس نیز اجرا خواهد شد .

خواست‌های مبرم خلق چین یا برنامه خاص آنگونه که در فوق ترسیم گردید بسیاری از مسائل حیاتی زمان جنگ و پس از جنگ را دربر میگیرد ، مسائلی که به توضیحات بیشتری نیازمندند . اینک ضمن توضیح این مسائل ، ما پاره‌ای از نظریات نادرست گروه گرداننده گومیندان را مورد انتقاد قرار می‌دهیم و در عین حال به برخی از مسائلی که کسان دیگر مطرح می‌سازند نیز پاسخ می‌گوئیم .

۱ - متجاوزین ژاپنی را بطور کامل نابود کنیم

و اجازه ندهیم در نیمه راه سازش شود

کنفرانس قاهره (۶) بدرستی تصمیم گرفت که باید متجاوزین ژاپنی را به تسلیم بلاشرط مجبور ساخت . اما متجاوزین ژاپنی اکنون در پشت پرده برای صلح سازشکارانه مشغول فعالیت‌اند ؛ عناصر هوادار ژاپن در دولت گومیندان نیز با فرستادگان مخفی ژاپن از طریق دولت پوشالی نانکن به بند و بست پرداخته‌اند و از این کار جلوگیری بعمل نیامده است . از اینرو خطر سازش در نیمه راه هنوز کاملاً منتفی نیست .

کنفرانس قاهره تصمیم درست دیگری نیز اتخاذ کرد که بنا بر آن چهار استان شمال شرقی و تایوان و جزائر پون هو باید بچین باز گردد . اما با توجه به سیاست کنونی دولت گومیندان بهیچوجه نمیتوان امید داشت که این دولت بتواند تا رودخانه یالو نبرد را ادامه دهد و کلیه سرزمینهای از دست رفته را باز ستاند . در این اوضاع و احوال خلق چین چه باید

بکند؟ خلق باید از دولت گومیندان بخواهد که متجاوزین ژاپنی را کاملاً نابود سازد و اجازه ندهد که در نیمه راه سازش صورت گیرد و بی درنگ به تمام توطئه‌هایی که بمنظور سازش چیده میشود پایان دهد. خلق چین باید بخواهد که دولت گومیندان سیاست کنونی خود را مبنی بر مقاومت پاسیف تغییر دهد و تمام قدرت نظامی خود را فعالانه در جنگ علیه ژاپن بکار اندازد. خلق چین باید نیروهای مسلح خود - ارتش هشتم، ارتش چهارم جدید و دیگر واحدهای مسلح خلق را توسعه دهد و بنابر ابتکار خود نیروهای مسلح ضد ژاپنی را بمقیاس وسیع در هر نقطه‌ای که پای دشمن بدانجا رسیده است گسترش دهد و آماده باشد تا با همکاری مستقیم با متفقین از طریق نبرد تمام سرزمینهای از دست رفته را باز پس ستاند؛ در هیچ اوضاع و احوالی نباید فقط بر روی گومیندان حساب کرد. این حق مقدس خلق چین است که بر متجاوزین ژاپنی پیروز گردد. چنانچه مرتجعین بکوشند خلق را از این حق محروم سازند، جنوی فعالیت‌های ضد ژاپنی وی را بگیرند و نیروهای وی را در مقاومت از میان ببرند آنگاه خلق چین باید در صورتیکه کار اقناع به نتیجه‌ای نیانجامد، بدفاع از خویش برخیزد و مصممانه هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ گوید. زیرا چنین اعمالی از جانب مرتجعین چین که خیانت به منافع ملت است جز همدستی با متجاوزین ژاپنی نیست.

۴ - دیکتاتوری يك حزبی گومیندان را براندازیم

و يك دولت ائتلافی دموکراتیک تشکیل دهیم

برای نابود ساختن کلیه متجاوزین ژاپنی لازم است در سراسر کشور اصلاحات دموکراتیک صورت گیرد. ولی تا زمانی که دیکتاتوری يك

حزبی گویندان برانداخته نشده و دولت ائتلافی دموکراتیک تشکیل نگردیده است این اصلاحات امکان پذیر نیست .

دیکتاتوری يك حزبی گویندان در واقع دیکتاتوری دارودسته ضد توده‌ای گویندان است ، و این دیکتاتوری بر هم زننده وحدت ملی چین است ، مسبب شکست‌های جبهه گویندان در جنگ است و در راه بسیج کردن و متحد ساختن نیروهای ضد ژاپنی خلق چین مانع اساسی است . خلق چین طی هشت سال تجربه تلخ جنگ مقاومت به زشتکاریهای این دیکتاتوری کاملاً پی برده است و طبیعتاً خواستار محو فوری آنست . این دیکتاتوری ضد توده‌ای همچنین زاینده جنگ داخلی است و چنانچه فوراً برانداخته نشود خلق را بار دیگر گرفتار مصائب جنگ داخلی خواهد کرد .

فریاد خلق چین برای محو این دیکتاتوری ضد توده‌ای به اندازه‌ای دامن‌دار و پرتنین است که مقامات گویندان خود مجبور شده‌اند با " پایان نزدیک قیومیت سیاسی " علناً موافقت کنند و این خود نشان میدهد که این " قیومیت سیاسی " یا دیکتاتوری يك حزبی تا چه درجه حیثیت خود و پشتیبانی مردم را از دست داده است . در چین هیچکسی را نمیتوان یافت که هنوز جسارت ورزد و بگوید که " قیومیت سیاسی " یا دیکتاتوری يك حزبی دارای جنبه مثبتی است یا آنکه نباید برانداخته شود یا " پایان یابد " و این ، نشانه تغییر بزرگی در وضع کنونی چین است .

یقیناً و بدون تردید این دیکتاتوری باید " پایان یابد " . اما در اینکه چگونه باید پایان یابد عقاید مختلف است . بعضی برآنند که باید به آن یکباره پایان بخشید و يك دولت ائتلافی دموکراتیک موقت تشکیل

داد . برخی دیگر میگویند که باید کمی صبر کرد ، يك " مجلس ملی " دعوت نمود و " قدرت دولتی را بخلق باز گردانید " ، نه بدولت ائتلافی .
معنی این چیست ؟

این بدان معنی است که برای انجام این کار دو راه وجود دارد :
راه صواب و راه ناصواب .

نخست راه صواب : راه نخست اینست که فوراً پایان دیکتاتوری يك حزبی گویندگان اعلام شود ، يك دولت مرکزی موقت مرکب از نمایندگان گویندگان ، حزب کمونیست ، جامعه دموکراتیک و مردم غیرحزبی تشکیل گردد و برای فعالیت سیاسی يك برنامه دموکراتیک نظیر خواست‌های مبرم خلق چین بطوری که در فوق ترسیم شد انتشار یابد باین منظور که وحدت ملی احیا شود و بر متجاوزین ژاپنی پیروزی بدست آید . باید يك کنفرانس میزگرد مرکب از نمایندگان احزاب مختلف و مردم غیرحزبی دعوت شود تا در باره این مسائل بحث کند و بتوافق برسد و سپس بر اساس این توافق عمل کند . این راه ، راه وحدت است که خلق چین با قاطعیت از آن پشتیبانی خواهد کرد .

دوم راه ناصواب . راه دوم اینست که خواستهای توده‌ها و تمام احزاب دموکراتیک را نادیده انگارند و عنودانه اصرار ورزند که يك باصطلاح مجلس ملی به کارگردانی دارودسته ضد توده‌ای گویندگان دعوت شود ، يك " قانون اساسی " که در عمل نگهبان دیکتاتوری و مخالف دموکراسی خواهد بود تصویب کند باینمنظور که " دولت ملی " غیرقانونی را با نقاب قانونیت بپوشانند ، دولتی که محرمانه از طریق انتصاب چند دوجین اعضاء گویندگان تشکیل و بخلق تحمیل شود که بکلی فاقد هر گونه پایه‌ای در میان مردم خواهد بود و بدین

ترتیب اینگونه وانمود میسازند که "قدرت دولتی را بخلق باز میگردانند"، در حالی که در واقع آنها بخود دارودسته ضد توده‌ای گویندگان "باز میگردانند". هر کس که آنها تأیید نکند متهم بخرابکاری در "دموکراسی" و "وحدت" خواهد شد و همین خود "موجب" می‌گردد که علیه او دستور عملیات کیفری صادر شود. این راه، راه تفرقه است و خلق چین با قاطعیت علیه آن مبارزه خواهد کرد.

اقداماتی که قهرمانان ضد توده‌ای ما می‌خواهند در جهت این سیاست تفرقه‌افکن بعمل آورند محتملاً خود آنها را به پرتگاه خواهد کشانید. آنها حلقه‌ای بر گردن خود می‌افکنند و آنها محکم می‌کنند و این حلقه همان "مجلس ملی" است. مقصود آنها اینست که از "مجلس ملی" بمشابه سلاح معجزه‌آسایی اولاً برای جلوگیری از تشکیل دولت ائتلافی، ثانیاً برای حفظ و ادامه دیکتاتوری خود و ثالثاً برای توجیه جنگ داخلی استفاده کنند. معذک منطق تاریخ در خلاف جهت امیال آنها پیش می‌رود، و "سنگی را که بلند می‌کنند عاقبت بروی پای خود خواهد افتاد". امروز بر همه کس روشن است که خلق در مناطق گویندگان آزادی ندارد و در مناطق اشغالی ژاپن نمیتواند در انتخابات شرکت جوید؛ مناطق آزاد شده نیز که از آزادی برخوردار است از طرف دولت گویندگان برسمیت شناخته نمیشود. مبادای که وضع چنین است چگونه میتوان به انتخاب نمایندگان ملی پرداخت؟ چگونه میتوان "مجلس ملی" داشت؟ مجلس ملی که در پیرامون آن اینهمه سروصدا براه می‌ندازند از هر جهت از نوع همان مجلسی است که دولت دیکتاتوری گویندگان هشت سال پیش در دوران جنگ داخلی سرهم‌بندی کرد. هر گاه چنین مجلسی دعوت شود بناچار تمام ملت

علیه آن بر خواهد خاست و آنگاه باید پرسید که قهرمانان ضد توده‌ای ما چگونه خود را از این مخمصه بیرون خواهند کشید؟ سرانجام دعوت مجلس قلابی فقط آنها را به بن بست خواهد رسانید.

ما کمونیست‌ها برای پایان بخشیدن به دیکتاتوری يك حزبى گومیندان دو اقدام زیر را پیشنهاد میکنیم: اولاً در مرحله کنونی، تشکیل دولت ائتلافی موقت از راه توافق مشترك نمایندگان همه احزاب و مردم غیرحزبی، ثانیاً در مرحله بعد، دعوت يك مجلس ملی از طریق انتخابات آزاد و بدون محدودیت و تشکیل دولت ائتلافی رسمی. دولت در هر دو حال ائتلافی خواهد بود که در آن نمایندگان کلیه طبقات و احزاب سیاسی که داوطلبانه شرکت میجویند بر اساس برنامه مشترك دموکراتیک امروز در جنگ علیه ژاپن و فردا در ساختمان کشور با یکدیگر متحد میشوند.

صرف نظر از تصورات گومیندان و احزاب و گروه‌ها و افراد دیگر، این یگانه راهی است که چین میتواند در پیش گیرد اعم از اینکه آنها بخواهند یا نخواهند، بدان آگاهی داشته باشند یا نداشته باشند. این قانون تاریخ است، گرایش حتمی و اجتناب‌ناپذیری است که هیچ نیروئی نمیتواند آنرا بعقب بازگرداند.

در این مسئله یا هر مسئله دیگر مربوط به اصلاحات دموکراتیک، با آنکه مقامات گومیندان هنوز عنودانه در سیاست غلط خود پافشاری میکنند و برای گذراندن وقت و تسکین افکار عمومی مذاکره را وسیله قرار میدهند، ما کمونیست‌ها اعلام میداریم که حاضریم هر موقع که آنها برای دست کشیدن از سیاست غلط کنونی از خود آمادگی نشان دهند و با اصلاحات دموکراتیک موافقت کنند با آنها مذاکرات را از سر بگیریم.

اما مذاکرات باید بر اساس اصل کلی مقاومت ، وحدت و دموکراسی باشد ، ما با هیچ باصطلاح اقدام یا نقشه یا سخن توخالی که از این اصل کلی منحرف شود هر چند خوش آواز باشد ، موافقت نخواهیم کرد .

۳ - آزادی برای خلق

در حال حاضر مبارزه خلق چین بخاطر آزادی ، در درجه اول علیه مهاجمین ژاپنی متوجه است . اما دولت گویندگان که خلق را از آزادی محروم ساخته و دست و پای وی را بسته ، از نبرد وی علیه مهاجمین ژاپنی جلو میگیرد . تا موقعی که این مسئله حل نشود بسیج و اتحاد کلیه نیروهای ضد ژاپنی کشور غیرممکن خواهد بود . برنامه ما درست بخاطر آنکه بندها از دست و پای خلق برداشته شود و خلق امکان یابد که در برابر ژاپن ایستادگی کند ، متحد شود و به دموکراسی نائل آید خواستهای زیر را به پیش میکشد : محو دیکتاتوری يك حزبی ، تشکیل دولت ائتلافی ، انحلال عمال مخفی ، لغو قوانین و تصویب نامه های ظالمانه ، مجازات خائنین بملت ، جاسوسان ، عناصر هوادار ژاپن ، فاشیستها و کارمندان فاسد و مختلس ، آزادی زندانیان سیاسی ، قانونی شناختن تمام احزاب دموکراتیک ، عقب کشیدن سپاهیان که مناطق آزاد شده را در محاصره گرفته و به آنها حمله میکنند ، برسمیت شناختن مناطق آزاد شده ، محو سیستم بائو - جیا و بسیاری مطالبات دیگر مربوط به اقتصاد ، فرهنگ و جنبش های توده ای .

آزادی هدیه ای نیست که کسی بخلق پیشکش کند ، خلق آزادی را از طریق مبارزه بچنگ میآورد . در مناطق آزاد شده چین خلق هم اکنون به آزادی نائل آمده است ، و خلق نمیتواند و باید در مناطق دیگر

نیز به آزادی دست یابد . هر اندازه آزادی خلق چین وسیعتر و نیروهای دموکراتیک متشکل وی قویتر باشد ، امکان تشکیل دولت ائتلافی موقت و متحد بیشتر است . این دولت ائتلافی پس از آنکه تشکیل شد بنوبه خود بخلق آزادی کامل میبخشد و از اینطریق پایه‌های خود را مستحکم خواهد ساخت . فقط در چنین حالی ممکن خواهد بود که پس از بیرون راندن متجاوزین ژاپنی در سراسر کشور به انتخابات آزاد و بدون محدودیت دست زد ، مجلس ملی دموکراتیک ایجاد کرد و دولت ائتلافی رسمی و متحدی تشکیل داد . تا زمانی که خلق از آزادی محروم است مجلس ملی یا دولتی که واقعاً منتخب خلق باشد نمیتواند بوجود آید . آیا این به اندازه کافی روشن نیست ؟

آزادیهای بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، جمعیت‌ها ، عقاید سیاسی ، معتقدات مذهبی و آزادی فردی مهمترین آزادیهای خلق‌اند . این آزادیها فقط در مناطق آزاد شده چین کاملاً به تحقق درآمده‌اند .

دکتر سون یاتسن در ۱۹۲۵ در وصایای خود در بستر مرگ اعلام داشت که "چهل سال تمام خودم را وقف امر انقلاب ملی نمودم تا برای چین آزادی و تساوی حقوق کسب کنم . در اثر این چهل سال تجربه ایقان راسخ یافتم که برای نیل باین هدف باید توده‌های مردم را برانگیزیم و در جهان با آن ملی که با ما برخورد برابر دارند ، در مبارزه مشترك متحد شویم . " جانشینان ناخلف دکتر سون که به او خیانت کردند ، بجای آنکه توده‌های مردم را برانگیزند ، آنها را مرکوب کردند و از تمام آزادیهای بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، جمعیت‌ها ، عقاید سیاسی ، معتقدات مذهبی و از آزادی فردی محروم ساختند . آنها به حزب کمونیست ، ارتش هشتم ، ارتش چهارم جدید

و مناطق آزاد شده که واقعاً توده‌های مردم را برانگیخته ، و از آزادی و حقوق آنها نگهبانی میکنند بر چسب " حزب خائن " ، " ارتش خائن " و " مناطق خائن " سبزنند . ما امیدواریم به این واژگونی درست و نادرست بزودی پایان داده شود . چنانچه این اسر باز هم بطول انجامد ، خلق چین بردباری خود را از دست خواهد داد .

۴ - وحدت خلق

برای اینکه سهاجمین ژاپنی را نابود ساخت ، از جنگ داخلی جلو گرفت و چین نوی بنا کرد لازم است چین مشقت را بچین متحد تبدیل نمود . چنین است وظیفه تاریخی خلق چین .

اما چین چگونه میتواند بوحدت دست یابد ؟ از طریق توحید بعنف توسط يك ديكتاتور ، یا از راه توحید دموکراتیک توسط خلق ؟ از زمان یوان شی کای دیکتاتورهای نظامی شمال کوشش خود را بروی توحید بعنف متمرکز ساختند . اما نتیجه آن چه شد ؟ بر خلاف امیال آنها ، آنچه که حاصل آمد وحدت نبود ، تفرقه بود و سرانجام خود آنها از مسند قدرت بزیر افتادند . دارودسته ضد توده‌ای گومیندان که در جای پای یوان شی کای گام بر سیداشت در جستجوی توحید بعنف بود و ده سال تمام بجنگ داخلی پرداخت و در نتیجه راه سهاجمین ژاپنی را بدرون کشور هموار ساخت و سپس خود بسوی کوه اه سی (۷) عقب نشینی اختیار کرد . اکنون از فراز کوه دو باره تئوری توحید بعنف را ندا در میدهد . این ندا برای کی است ؟ آیا هیچ چینی میهن پرست شرافتمندی به این دارودسته گوش فرا خواهد داد ؟ خلق ، پس از شانزده سال زندگی در زیر سلطه دیکتاتورهای نظامی شمال و هجده سال در زیر سلطه

دیکتاتوری گویندگان تجربه‌ای وسیع و دیدگانی بصیر کسب کرده‌است . خلق خواهان توحید دموکراتیک توسط توده‌های مردم است و نه توحید بعنف توسط دیکتاتور . ما کمونیست‌ها از همان سال ۱۹۳۵ سیاست جبهه متحد ضد ژاپنی را به پیش کشیدیم و تا کنون برای آن پیکار کرده‌ایم . در سال ۱۹۳۹ هنگامی که گویندگان « تدابیر بمنظور تحدید فعالیت احزاب بیگانه » را که اقدامی ارتجاعی بود بزور تحمیل کرد و بدین طریق خطر تسلیم‌طلبی ، تفرقه و سیر قهقرائی ایجاد نمود ، هنگامی که در باره تئوری توحید بعنف ندا در میداد ، ما بار دیگر اعلام داشتیم که توحید باید بر مقاومت پایه گیرد و نه بر تسلیم‌طلبی ، بر وحدت و نه بر تفرقه ، بر ترقی و نه بر سیر قهقرائی . فقط توحید بر اساس مساوت ، وحدت و ترقی توحید واقعی است و هر نوع دیگر آن توحیدی قلابی خواهد بود (۸) . شش سال گذشته‌است ولی چاره همان است که بود .

آیا وحدت بدون آنکه خلق از آزادی و دموکراسی برخوردار باشد ممکن است ؟ همین که آزادی و دموکراسی برقرار گردید وحدت حاصل خواهد آمد . جنبش خلق چین بخاطر آزادی ، دموکراسی و دولت ائتلافی در عین حال جنبشی است برای وحدت . ما هنگامی که در برنامه خاص خود مطالبات بسیاری را در زمینه آزادی ، دموکراسی و دولت ائتلافی به پیش میکشیم در عین حال وحدت را هدف میگیریم . بر همه کس روشن است که تا دیکتاتوری ضد توده‌های دارودسته گویندگان از بین نرود و دولت دموکراتیک ائتلافی تشکیل نگردد نه فقط تحقق هیچگونه اصلاح دموکراتیک در مناطق گویندگان ، یا بسیج ارتش‌ها و بسیج خلق برای پیروزی بر مهاجمین ژاپنی ممکن نیست بلکه از بلای جنگ داخلی نیز نمیتوان ایمن ماند . چرا بسیاری از دموکراتهای حزبی یا غیرحزبی

و از آنجمله بسیاری از دموکراتهای گومیندان یکصدا خواستار دولت ائتلافی‌اند؟ برای آنکه آنها بحران کنونی را با روشنی میبینند و میدانند که برای غلبه بر بحران و نیل بوحدت علیه دشمن و بخاطر ساختمان کشور راه دیگری وجود ندارد.

۵ - ارتش توده‌ای

خلق چین بدون ارتشی که در موضع خلق ایستاده باشد، نه میتواند به آزادی، وحدت و تشکیل دولت ائتلافی دست یابد و نه میتواند متجاوزین ژاپنی را بطور قطع درهم بشکند و چین نوی را بنیاد نهد. امروز آن نیروهای مسلحی که کاملاً در کنار خلق ایستاده‌اند، فقط ارتشهای مناطق آزاد شده یعنی ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید هستند که تعداد نفراتشان قلیل است؛ ولی این بهیچوجه کافی نیست. معدک در داخل گومیندان دارودسته ضد خلقی دائماً در این فکر است که نیروهای مسلح مناطق آزاد شده را درهم بشکند و نابود سازد. دولت گومیندان در سال ۱۹۴۴ باصطلاح "توصیه‌نامه" ای مطرح کرد و از حزب کمونیست خواست که چهار پنجم نیروهای مسلح مناطق آزاد شده را "در مهلت معین منحل سازد". در سال ۱۹۴۵ یعنی طی مذاکرات اخیر، باز از حزب کمونیست خواست که سپاهیان مناطق آزاد شده را در بست بوی تحویل دهد، و فقط با چنین شرطی است که میتواند بحزب کمونیست "موضع قانونی" بخشد.

این اشخاص به کمونیستها میگویند: "سپاهیان خود را بما تحویل دهید تا ما بشما آزادی بدهیم". از این "تئوری" چنین نتیجه میشود که احزاب سیاسی‌ایکه نیروهای مسلح ندارند، باید از آزادی برخوردار

باشند . حزب کمونیست چین از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ سپاهیان بسیار اندکی داشت ، اما همینکه دولت گومیندان با اجرای سیاست "تصفیه حزب" و ترور خونین پرداخت ، کمترین اثری از آزادی برجا نماند . اکنون جامعه دموکراتیک چین و عناصر دموکرات درون گومیندان سپاهی ندارند و آزادی هم ندارند . طی هجده سال اخیر ، کارگران ، دهقانان ، دانشجویان و کلیه عناصر مترقی در محافل فرهنگی ، آموزشی و صنعتی که تحت سلطه دولت گومیندان بسر میبرند - هیچکدام سپاهی نداشتند و از آزادی هم برخوردار نبودند . آیا آزادی را از آنجهت از احزاب دموکراتیک و از این مردم دریغ میدارند که آنها ارتش ترتیب داده‌اند ، به ایجاد "نیولهای فئودالی" پرداخته‌اند ، "مناطق خائن" بوجود آورده‌اند و "فراسین دولتی و نظامی" را نقض کرده‌اند ؟ بهیچوجه ، برعکس ، آنها درست بدینجهت از آزادی محرومند که باین نوع کارها نپرداخته‌اند . "ارتش متعلق به حکومت است" . حرفی از این درستتر وجود ندارد . در سراسر جهان ارتشی نیست که متعلق به حکومت نباشد . ولی ارتش باید متعلق بکدام حکومت باشد ؟ به حکومت دیکتاتوری فئودال - فاشیست مالکان بزرگ ارضی ، بانکداران بزرگ و کمپرادورهای بزرگ یا به حکومت دموکراتیک نوین توده‌های مردم ؟ آنچه در چین باید ایجاد شود ، حکومت دموکراتیک نوین و بر این اساس ، دولت ائتلافی دموکراتیک نوین است ؛ کلیه نیروهای مسلح کشور باید متعلق به دولت چنین حکومتی باشند تا بتوانند از آزادی خلق دفاع کنند و بطور مؤثر با متجاوزین خارجی بجنگند . همینکه دولت ائتلافی دموکراتیک نوین در چین بوجود آید ، بیدرنگ نیروهای مسلح مناطق آزاد شده باو منتقل خواهند شد . اما در عین حال همه نیروهای مسلح گومیندان

نیز باید باو منتقل شوند .

دکتر سون یاتسن در سال ۱۹۲۴ گفت : " از امروز انقلاب ملی باید وارد دوران نوینی شود نخستین گام عبارتست از پیوند دادن نیروهای مسلح با ملت . گام دوم عبارتست از تبدیل این نیروها به نیروهای مسلح ملی . " (۹) ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید درست بعلت اینکه این رهنمود سیاسی را اجرا کرده‌اند و بصورت "نیروهای مسلح ملی" یعنی بصورت ارتش خلق درآمده‌اند ، توانستند به پیروزی برسند . سپاهیان گویندگان در مرحله اول لشگرکشی بشمال ، این "نخستین گام" را که دکتر سون یاتسن بیان داشته برداشتند و از اینجهت نیز پیروز شدند . اما از مرحله آخر لشگرکشی بشمال تا لحظه کنونی سپاهیان گویندگان از برداشتن حتی "نخستین گام" نیز امتناع ورزیدند و در موضع ضد خلقی قرار گرفتند و از اینجهت گرفتار انحطاط و سقوط روزافزون شده و میشوند . آنها که "استاد جنگ داخلی" هستند ، "در جنگ بر ضد دشمن خارجی" بجز "هیچکاره" چیز دیگری نمیتواند باشند . همه افسران سپهن پرست و شرافتمند ارتش گویندگان باید روح رهنمود سیاسی دکتر سون یاتسن را احیا کنند و ارتش خود را نوسازی نمایند .

در ضمن نوسازی ارتشهای قدیم باید از طریق کار تربیتی مناسب بکلیه افسرانی که مستعد تجدید تربیت‌اند ، کمک کرد که از قید نظرات کهنه خویش رهائی یابند و نظرات صحیح را فرا گیرند تا آنکه بتوانند در آینده در ارتش توده‌ای خدمت کنند .

سباززه در راه ایجاد ارتش توده‌ای چین وظیفه تمام خلق چین است . خلق بدون يك ارتش توده‌ای هیچ نخواهد داشت . در این مورد نباید به پرچانگی بیهوده پرداخت .

ما کمونیستها حاضریم از کار نوسازی ارتش چین پشتیبانی کنیم .
ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید ما باید کلیه ارتش‌هایی را که
هوادار وحدت با خلق‌اند و میخواهند بجای جنگ با مناطق آزاد شده
چین ، بجنگ با متجاوزین ژاپنی پردازند ، ارتش‌های دوست خود
بشمارند و بآنها کمک لازم را برسانند .

۶ - مسئله ارضی

برای نابودی متجاوزین ژاپنی و بنای چین نو لازم است سیستم ارضی
را اصلاح کرد و دهقانان را آزاد ساخت . این شعار دکتر سون یاتسن که
” زمین از آن کشتکار “ است برای مرحله کنونی انقلاب ما که دارای
ماهیت بورژوا - دموکراتیک است صحیح است .
چرا ما میگوئیم که انقلاب ما در مرحله کنونی ” دارای ماهیت
بورژوا - دموکراتیک است “ ؟ منظور ما اینست که آساج این انقلاب
بورژوازی بطور اعم نیست ، بلکه ستم بیگانه و فئودالی است ، و تدابیری
که در این انقلاب اتخاذ میشود بطور کلی متوجه حمایت از مالکیت
خصوصی است و نه در جهت برانداختن آن ، و در نتیجه این انقلاب طبقه
کارگر امکان خواهد یافت برای رهبری چین بسوی سوسیالیسم نیرو جمع
آوری کند و سرمایه‌داری هنوز خواهد توانست تا مدتی نسبتاً طولانی و تا
درجه سعمینی رشد نماید . شعار ” زمین از آن کشتکار “ بمعنی انتقال زمین
از استثمارگران فئودالی بدهقانان است ، بمعنی تبدیل مالکیت خصوصی
سالکان ارضی فئودالی به مالکیت خصوصی دهقانان و رهایی دهقانان از
مناسبات ارضی فئودالی و بدینطریق ایجاد اسکان برای تبدیل يك کشور
فلاحتی بيك کشور صنعتی است . بنابر این شعار ” زمین از آن کشتکار “

بنابر سرشت خود يك خواست بورژوا - دموکراتیک است و نه خواست پرولتاریائی - سوسیالیستی ؛ این ، خواست تمام دموکراتهای انقلابی است و نه خواست کمونیستها به تنهایی . اما تفاوت در اینست که در شرایط چین فقط ما کمونیستها این خواست را بسیار جدی میگیریم و نه تنها در باره آن سخن میگوئیم بلکه آنرا بمرحله عمل در میاوریم . دموکراتهای انقلابی چه کسانی هستند ؟ صرف نظر از پرولتاریا که پی گیرترین نیروی دموکراتیک انقلابی است ، دهقانان وسیعترین گروه دموکراتهای انقلابی را تشکیل میدهند . اکثریت عظیم دهقانان یعنی همه آنان بجز دهقانان مرفه که وابستگی فئودالی دارند فعالانه میخواهند که "زمین از آن کشتکار" باشد . خرده بورژوازی شهری نیز نیروی دموکراتیک انقلابی است و شعار "زمین از آن کشتکار" همان اندازه بسودوی است ، زیرا که تحقق آن به رشد نیروهای تولیدی در کشاورزی کمک خواهد کرد . بورژوازی ملی طبقه متزلزلی است ولی او نیز شعار "زمین از آن کشتکار" را تأیید میکند زیرا که به بازار نیازمند است ؛ ولی بسیاری از افراد این طبقه از این شعار میترسند برای آنکه اکثراً با مالکیت ارضی پیوند دارند . دکترسون یاتسن نخستین دموکرات انقلابی چین بود . او بمثابة نماینده بخش انقلابی بورژوازی ملی و خرده بورژوازی شهری و دهقانان به انقلاب مسلح دست زد و شعارهای "برابری حقوق در مورد مالکیت زمین" و "زمین از آن کشتکار" را به پیش کشید . متأسفانه هنگامی که او در قدرت بود ابتکار عمل را بدست نگرفت و باصلاح سیستم ارضی نپرداخت . موقعی که دارودسته ضد توده‌ای گویندگان قدرت را بدست گرفت به آنچه او بدفاع از آن برخاسته بود کاملاً خیانت ورزید . همین دارودسته است که اکنون عنودانه با شعار "زمین از آن کشتکار"

مخالفت میکند زیرا که وی نماینده قشر مالکان بزرگ ارضی ، بانکداران بزرگ و کمپرادورهای بزرگ است . از آنجائی که در چین حزبی سیاسی که منحصرآ نماینده دهقانان باشد وجود ندارد و احزاب سیاسی بورژوازی ملی برنامه ارضی کاملی ندارند ، حزب کمونیست چین بصورت رهبر دهقانان و کلیه دموکراتهای انقلابی دیگر در آمده است ، زیرا تنها حزبی است که برنامه ارضی کاملی تدوین کرده و بمرحله عمل گذاشته است و با جدیت بخاطر منافع دهقانان مبارزه میکند و از اینرو اکثریت عظیم دهقانان را بمثابة متحد بزرگی بسوی خود جلب کرده است .

حزب کمونیست چین از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۶ تدابیری بمنظور اصلاح کامل سیستم ارضی اتخاذ کرد و شعار دکتر سون یاتسن " زمین از آن کشتکار " را به تحقق در آورد . و درست دارودسته ضد توده‌ای گومیندان ، این گروه جانشینان ناخلف دکتر سون یاتسن بود که چنگ و دندان نشان داد و طی ده سال جنگ علیه خلق با شعار " زمین از آن کشتکار " مبارزه کرد .

حزب کمونیست چین در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی به گذشت بزرگی دست زد و سیاست " زمین از آن کشتکار " را با سیاست تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود جانشین کرد . این گذشت درست بود زیرا به ورود گومیندان در جنگ علیه ژاپن کمک کرد و در مناطق آزاد شده مقاومت مالکان ارضی را در برابر بسیج دهقانان بخاطر جنگ تخفیف داد . چنانچه مانع خاصی پیش نیاید ما آماده‌ایم این سیاست را پس از جنگ اداسه دهیم . نخست تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود را به سراسر کشور توسعه بخشیم و سپس با اتخاذ تدابیر مناسب تدریجاً شعار " زمین از آن کشتکار " را به تحقق در آوریم .

معذلك آنهايي كه بدكتر سون ياتسن خيانت كردند ، نه تنها شعار " زمين از آن كشتكار" را رها نمودند ، بلكه با تقليل بهره‌مالكانه و نرخ سود نيز بمبارزه برخاستند . دولت گوسيندان تصويب‌نامه " ۲۰ در صد تقليل بهره‌مالكانه" و هيچيك از تصويب‌نامه‌هاي نظير را كه خود او اعلان کرده بود اجرا نكرد ؛ فقط ما بوديم كه آنها را در مناطق آزاد شده بمرحله عمل گذاشتيم و براي همين هم به مناطق آزاد شده بر چسب "مناطق خائن" زده شد .

در جريان جنگ مقاوست ضد ژاپني يك باصطلاح تئوري دو مرحله ظهور كرد ؛ يك مرحله "انقلاب ملي" و يك مرحله "انقلاب بخاطر دموكراسي و رفاه خلق" . اين تئوري نادرست است .

" در برابر دشمني مهيب ما نبايد مسئله اصلاحات دموكراتيك يا رفاه خلق را مطرح سازيم ، بهتر است صبر كنيم تا ژاپني‌ها بروند . " — چنين است تئوري سخيفي كه دارودسته ضد توده‌اي گوسيندان بمنظور جلوگيري از پيروزي كامل در جنگ به پيش ميكشند . كساني هم پيدا ميشوند كه اين تئوري را تكرار ميكنند و به دنباله‌رويان آن تبديل گردیده‌اند .

" در برابر دشمني مهيب بدون حل مسئله دموكراسي و رفاه خلق ممكن نيست عليه ژاپن پاينگاهمائي ايجاد كرد و در برابر حملات ژاپن ايستادگي نمود . " — اينست آنچه كه حزب كمونيست از آن دفاع کرده و علاوه بر آن با نتايج درخشاني هم اكنون به تحقق در آورده است . در دوران جنگ مقاوست ضد ژاپني ، تقليل بهره‌مالكانه و نرخ سود و اصلاحات دموكراتيك ديگر همه در خدمت جنگ است . ما براي آنكه مقاوست مالكان ارضي را در برابر كوشش‌هائي كه بخاطر جنگ صورت

میگرفت تخفیف دهیم ، از الغاء مالکیت آنها بر زمین خودداری کردیم و فقط به تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود پرداختیم . ما در عین حال آنها را تشویق کردیم که دارائی خود را در صنعت بکار اندازند ؛ ما به متنفذین روشن بین اسکان دادیم که در فعالیت‌های اجتماعی بخاطر جنگ و در امور دولتی در کنار دیگر نمایندگان خلق شرکت جویند . ما دهقانان مرفه را ترغیب نمودیم که به توسعه تولید بپردازند . اینها همه قسمتی از خط مشی قاطع اصلاحات دموکراتیک در مناطق روستائی است و مطلقاً ضروری است .

بدین ترتیب دو خط مشی وجود دارد : یا سرسختانه در برابر کوشش دهقانان چین بخاطر حل مسئله دموکراسی و رفاه خلق مقاومت کرد و فاسد و بی‌اثر گردید و در نبرد با ژاپن کاملاً عاجز ماند ؛ یا مصممانه از کوشش دهقانان چین پشتیبانی کرد و بزرگترین متحد خود را که ۸۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهد بسوی خود جلب نمود و از اینطریق نیروی جنگنده سهمگینی فراهم آورد . مشی نخستین از آن دولت گویندگان است و مشی اخیر از آن مناطق آزاد شده چین .

مشی اپورتونیست‌ها مابین این دو در نوسان است ، بگفتار از دهقانان پشتیبانی میکند ولی آن جسارت را ندارد که بهره‌مالکانه و نرخ سود را تقلیل دهد ، دهقانان را مسلح سازد و در مناطق روستائی قدرت سیاسی دموکراتیک برقرار نماید .

دارودسته ضد توده‌ای گویندگان با استفاده از تمام نیروهای تحت فرماندهی خود از هیچگونه حمله کین‌توزانه آشکار و نهانی ، نظامی و سیاسی ، خونین و غیرخونین علیه حزب کمونیست چین باز نایستاده‌است . از لحاظ اجتماعی ، نزاع میان دو حزب ماهیتاً بر سر فرجام مناسبات روستائی

است . ما دقیقاً در کجا دارودسته ضد توده‌ای گویندگان را جریحه‌دار ساخته‌ایم ؟ آیا درست در این مسئله نیست ؟ آیا دارودسته ناسپرده بهمین علت مورد تشویق و مرحمت متجاوزین ژاپنی قرار نگرفت که در این مسئله به آنها کمک بزرگی رسانیده بود ؟ آیا تمام اتهاماتی نظیر ”تخریب در مقاومت و به مخاطره افکندن کشور“ ، ”حزب خائن“ ، ”ارتش خائن“ ، ”مناطق خائن“ و ”عدم اطاعت از فراسین دولتی و نظامی“ که بحزب کمونیست وارد آمد درست بهمین علت نبود که حزب کمونیست چین آگاهانه در این زمینه واقعاً بسود ملت عمل کرده‌است ؟ دهقانان سلف کارگران صنعتی چین هستند . در آینده ده‌ها میلیون دهقان اضافی به شهر خواهند رفت و به کارخانه‌ها وارد خواهند شد . اگر چین باید صنایع ملی نیرومند و شهرهای بزرگ و مدرن بسیاری ایجاد کند ، او باید پروسه طولانی تبدیل سکنه روستائی به سکنه شهری را از سر بگذراند .

دهقانان بازار عمده صنایع چین را تشکیل میدهند . فقط آنها هستند که مواد خوراکی و مواد خام بمقدار فراوان تحویل میدهند و اجناس صنعتی را بمقادیر زیاد جذب میکنند .

دهقانان سرچشمه ارتش چین هستند . سربازان همان دهقانان‌اند که لباس نظامی بر تن دارند و دشمنان جانی مهاجمین ژاپنی میباشند . دهقانان در مرحله کنونی نیروی سیاسی عمده دموکراسی چین‌اند . دموکراتهای چین تا به پشتیبانی ۳۶ میلیون دهقان مستظهر نباشند کاری از پیش نخواهند برد .

دهقانان در مرحله کنونی موضوع عمده جنبش فرهنگی چین‌اند . چنانچه ۳۶ میلیون دهقان بدست فراموشی سپرده شوند آیا ”ریشه‌کن

کردن بیسوادی، "آموزش همگانی"، "ادبیات و هنر در خدمت توده‌ها" و "بهداشت عمومی" از اساس سخنانی توخالی نیست؟ البته من با این گفته خود اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بقیه خلق را که تعداد آن به ۹ میلیون بالغ می‌گردد از دیده فرو نمی‌گذارم. بویژه طبقه کارگر را نادیده نمی‌گیرم که از لحاظ سیاسی آگاه‌ترین و صلاحیت‌دارترین طبقه برای رهبری مجموع جنبش انقلابی است. در این زمینه جایی برای هیچ‌گونه سؤ تفاهم نیست.

درک این نکات نه تنها برای کمونیست‌ها بلکه برای هر دموکراتی مطلقاً ضروری است.

اصلاح سیستم ارضی، حتی اصلاح کوچکی نظیر تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود، دهقانان را به تولید بیشتر علاقه‌مند می‌سازد. چنانچه بددهقانان کمک شود که بتدریج و بر اساس داوطلبی در کشورهای تولیدی کشاورزی و کشورهای دیگر متشکل گردند نیروهای تولیدی رشد خواهند نمود. در حال حاضر کشورهای تولیدی کشاورزی می‌توانند فقط سازمانهای کار اشتراکی و کمک متقابل باشند که بر اقتصاد انفرادی دهقانی (یعنی مالکیت خصوصی دهقانی) پایه می‌گیرند مانند گروه‌های مبادله کار، گروه‌های تعاونی و گروه‌های مبادله زحمت؛ حتی با همین شیوه هم افزایش ثمربخشی کار و تولیدات شگفت‌انگیز است. چنین سازمانهایی در مناطق آزاد شده چین بمقیاس وسیعی بسط یافته‌اند و از این پس باید هر اندازه ممکن است بیشتر بسط یابند.

باید متذکر شد که سازمانهای کشورهای کمونیستی از نوع گروه مبادله کار مدت‌ها در میان دهقانان وجود داشته‌است. اما در گذشته این سازمانها فقط وسیله‌ای بودند برای آنکه دهقانان آلام خود را تسکین بخشند.

امروز گروه‌های سباده کار در مناطق آزاد شده هم در شکل و هم در مضمون خود با گذشته تفاوت دارند؛ این گروه‌ها اکنون وسائلی هستند که توده‌های دهقانی بکمک آنها تولید را افزایش می‌دهند و زندگی بهتری برای خود تأمین میکنند.

در چین تأثیر خوب یا بد، بسیار یا اندک سیاست و فعالیت هر حزب سیاسی بر روی خلق در آخرین تحلیل وابسته به این امر است که آیا سیاست و فعالیت این حزب به تکامل نیروهای تولیدی یاری میرساند یا نه و تا چه اندازه یاری میرساند و آیا این نیروها را به بند میکشد یا آزاد میسازد. یگانه راه رهائی نیروهای تولیدی اجتماعی در چین عبارتست از نابود ساختن مهاجمین ژاپنی، اجرای اصلاحات ارضی، رهائی دهقانان، تکامل صنایع مدرن و ایجاد یک چین نو، مستقل، آزاد، دموکراتیک، متحد، آبادان و نیرومند و اینها همه مورد تأیید خلق چین قرار خواهد گرفت. باین نکته نیز باید اشاره کرد که درک مشخصات مناطق روستائی یعنی اینکه این مناطق هنوز بر اقتصاد انفرادی عقب‌مانده و پراکنده پایه میگیرند و از این گذشته مناطق آزاد شده فعلاً توسط دشمن از یکدیگر جدا گشته و در جنگهای پارتیزانی درگیراند برای روشنفکران شهری که بعزم کار بروستا سیایند آسان نیست. آنها بعلمت عدم درک این مشخصات غالباً بنحو نامناسبی به مسائل روستائی و کار در روستا از دیدگاه زندگی شهری و کار در شهر مینگرند و آنها را حل میکنند، بدینطریق از واقعیات موجود در روستا دور میمانند و نمیتوانند با دهقانان جوش بخورند. لازم است با کار تریبتی بر آن غلبه کرد.

توده‌های وسیع روشنفکران انقلابی چین باید به لزوم یکی شدن با دهقانان پی برند. دهقانان به آنها نیازمندند و از آنها چشم یاری

دارند . آنها باید با شور و شوق بروستا بروند ، لباس دانشجوئی خود را بدر آورند و جامه زمخت دهقانی بر تن کنند ، به هر کاری ، هر قدر پیشی پا افتاده باشد داوطلبانه تن در دهند ؛ آنها باید خواستهای دهقانان را دریابند و به آنان کمک کنند که پیا خیزند و برای مبارزه در راه انجام انقلاب دموکراتیک در روستا که یکی از مهمترین وظایف انقلاب دموکراتیک چین است ، متشکل گردند .

پس از آنکه مهاجمین ژاپنی نابود گردیدند ما باید زمینهای متصرفی آنها و زمینهای خائنین بزرگ بملت را مصادره کرده و میان دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم کنیم .

۷ - مسئله صنایع

برای آنکه بر مهاجمین ژاپنی پیروز گردید و چین نوی پنا نهاد باید صنایع را تکامل بخشید . اما چین در زیر سلطه گوسیندان برای هر چیز محتاج کشورهای خارجی است و سیاست اقتصادی و مالی وی زندگی اقتصادی خلق را کاملاً بویرانی کشانیده است . در مناطق گوسیندان معدودی مؤسسات صنعتی کوچک یافت میشوند که در اکثر موارد قادر به جلوگیری از ورشکستگی نمیباشند . بعلت فقدان اصلاحات سیاسی تمام نیروهای تولیدی رو به انهدام میروند ؛ این حقیقت ، هم در کشاورزی و هم در صنایع بچشم میخورد .

بطور کلی تا زمانیکه چین مستقل ، آزاد ، دموکراتیک و متحد نگردد ، رشد صنایع اسکان پذیر نخواهد بود . نابود کردن مهاجمین ژاپنی ، کوشش در راه استقلال است . برانداختن دیکتاتوری یک حزبی گوسیندان ، تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک و متحد ، تبدیل تمام

C.K.S.

ماتر سه دون

P. O. Box 0637

Austin, Tx 78712

خلق جدیدی کار توفیق یابد آینده تابناکی در برابر چین گشوده
میشود. نیروهای تولیدی خلق چین فقط هنگامی آزاد خواهد شد و همه
گونه امکان تکامل آنگاه بدست خواهد آمد که سیستم سیاسی دموکراسی
نوین در سراسر چین برقرار گردد. هر روز که میگذرد مردم بیشتری
به درك این نکته نائل میآیند.

پس از آنکه سیستم سیاسی دموکراسی نوین پیروز گردید خلق چین
و دولت آن باید تدابیر عملی اتخاذ کنند برای آنکه ظرف چندین سال
گام بگام صنایع سنگین و سبك ایجاد نمایند و چین را از کشور فلاحتی به
کشور صنعتی مبدل سازند. دولت دموکراسی نوین نمیتواند استحکام
پذیرد مگر آنکه پایه آن بر اقتصاد محکمی استوار گردد و کشاورزی
آن بمراتب از امروز مترقی تر باشد و صنایع دامنه دار آن در اقتصاد ملی
موضع متفوق اشغال کند، و خطوط ارتباطی، تجارت و مالیه آن بطور
متناسب توسعه یابد.

ما کمونیستها آماده ایم با همکاری تمام احزاب دموکراتیک و محافل
صنعتی در سراسر کشور بخاطر این هدف مبارزه کنیم. طبقه کارگر چین
در این امر نقش بزرگی بازی خواهد کرد.

طبقه کارگر چین از زمان نخستین جنگ جهانی برای استقلال و
آزادی چین آگاهانه پیکار کرده است. در سال ۱۹۲۱ حزب کمونیست
چین، پیشاهنگ طبقه کارگر پا بعرصه وجود نهاد و از آن زمان مبارزه چین
بخاطر آزادی وارد مرحله نوینی گردید. طبقه کارگر و حزب کمونیست
چین طی سه دوره متوالی - لشگرکشی بشمال، جنگ انقلاب ارضی و
جنگ مقاومت ضد ژاپنی در امر آزادی خلق چین، فعالیت بسیار شدیدی
ابراز داشت و سهم گرانقدری ایفا نمود. طبقه کارگر چین در مبارزه

بخاطر پیروزی نهائی بر متجاوزین ژاپنی و بویژه برای باز پس گرفتن شهرهای بزرگ و خطوط ارتباطی سهم نقش بسیار بزرگی بازی خواهد کرد. از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که پس از جنگ بقاوست ضد ژاپنی کوشش و سهم طبقه کارگر بازم بیشتر خواهد بود. وظیفه طبقه کارگر چین اینست که نه فقط بخاطر برقراری دولت دموکراسی نوین بلکه بخاطر صنعتی کردن چین و مدرن کردن کشاورزی آن نیز مبارزه کند.

در سیستم دولت دموکراسی نوین، سیاستی بمنظور هم آهنگ ساختن منافع کار و سرمایه اتخاذ خواهد شد. از یکسو از منافع کارگران حمایت خواهد شد و بر حسب شرایط، روزکار هشت ساعته تا ده ساعته برقرار خواهد گشت، به بیکاران کمک مقتضی بعمل خواهد آمد، بیمه اجتماعی لازم برقرار خواهد شد، و حقوق سندیکائی تضمین خواهد گردید؛ از سوی دیگر برای مؤسسات دولتی، مؤسسات خصوصی و کثوپراتیوی که بنحو احسن اداره میشوند، سود منصفانه ای تضمین خواهد شد، بقسمی که هر دو بخش خصوصی و همگانی و کار و سرمایه هر دو بخاطر بسط تولید صنعتی با یکدیگر همکاری کنند.

پس از پیروزی بر ژاپن، مؤسسات و دارائی مسهاجمین ژاپنی در چین و مؤسسات و دارائی خائنین عمده مصادره خواهد شد و در اختیار دولت قرار خواهد گرفت.

۸ - مسئله فرهنگ، آموزش و روشنفکران

مصائبی که ستم بیگانه و ستم فئودالی بر خلق چین وارد آورده بر فرهنگ ملی ما نیز تأثیر گذارده است. فرهنگ و آموزش مترقی، فرهنگیان

و مربیان مترقی بویژه از آن صدمه دیده‌اند . برای برانداختن ستم بیگانه و ستم فئودالی و بنای چین دموکراتیک نوین ، ما به تعداد وسیعی مربی و آموزگار توده‌ای و همچنین دانشمند ، مهندس ، تکنیسین ، پزشک ، روزنامه‌نگار ، نویسنده ، ادیب ، هنرمند و کارمندان فرهنگی ساده خلق نیازمندیم . آنها باید سرشار از روح خدمت بخلق باشند و بی‌دریغ کار کنند . باید بهمراه روشنفکران بشرط آنکه در خدمت بخلق سهم بسزائی ادا کنند ارج گذاشت و به آنها بمشابه سرمایه ملی و اجتماعی گرانبھائی نگریست . مسئله روشنفکران بویژه در چین اهمیت بسیاری کسب میکند به این علت که این کشور در نتیجه ستم بیگانه و ستم فئودالی از لحاظ فرهنگ عقب‌مانده است ، بعلمت اینکه خلق چین در مبارزه خود بخاطر آزادی به روشنفکران احتیاج مبرم دارد . توده‌های وسیع روشنفکران انقلابی ، در نیم قرن گذشته بویژه از جنبش ۱۹۱۹ و طی هشت سال جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، در مبارزه خلق چین بخاطر آزادی نقش بسیار بزرگی بازی کرده‌اند . آنها در مبارزات آینده نیز نقش بازهم بزرگتری بازی خواهند کرد . بنابر این وظیفه دولت توده‌ای است که در میان صفوف خلق بطور منظم کادرهای روشنفکری در تمام زمینه‌ها تربیت کند و در عین حال مراقبت نماید که با همه روشنفکران موجود و سفید متحد شود و به تجدید تربیت آنها پردازد .

برانداختن بیسوادی از میان ۸۰ درصد اهالی برای چین نوین وظیفه حیاتی است .

برای برانداختن هرگونه فرهنگ و آموزش بنده‌پرور ، فئودالی و فاشیستی باید گام‌های قاطع و مقتضی برداشت .

برای پیش‌گیری و درمان بیماریهای بومی و بیماریهای دیگر باید

اقدام جدی بعمل آورد و خدمات پزشکی و بهداشتی خلق را توسعه بخشید .
کارمندان قدیمی فرهنگ و آموزش و پزشکان قدیمی را باید از نو به
شیوه مناسب تربیت کرد تا آنها بتوانند برای خدمت بخلق دورنمای
تازه و طرق جدیدی بدست آورند .

فرهنگ و آموزش خلق چین باید فرهنگ و آموزش دموکراسی نوین
باشد یعنی چین باید فرهنگ و آموزش نوین خود را که ملی ، علمی و
توده‌ای است ایجاد کند .

اما در مورد فرهنگ خارجی نادرست است اگر آن را درست رد کنیم ،
باید تا سرحد امکان هر چه که در آن مترقی است گرفت و برای رشد
فرهنگ نوین چین مورد استفاده قرار داد ؛ و نیز نادرست است اگر آنرا
کورکورانه تقلید کنیم ، باید با توجه به نیازمندیهای کنونی خلق
چین به آن برخوردی انتقادی داشت . فرهنگ نوینی که در اتحاد شوروی
پدید آمده باید در کار بنای فرهنگ توده‌ای برای ما سرمشق قرار
گیرد . بهمین ترتیب فرهنگ کهن چین را نه باید کاملاً بدور انداخت
و نه کورکورانه تقلید کرد ، بلکه باید آنرا با بصارت پذیرفت تا به
پیشرفت فرهنگ نوین چین مدد رساند .

۹ - مسئله اقلیت‌های ملی

دارودسته ضد توده‌ای گویندگان انکار میکند که در چین اقلیت‌های
ملی بسیاری وجود دارد و بهمه آنها به استثنای ملیت حان بچشم "قبیله"
مینگرد (۱۰) . این دارودسته نسبت به اقلیت‌های ملی ، همان سیاست
ارتجاعی دولتهای سلسله تسین و دیکتاتورهای نظامی شمال را در پیش
گرفته و از هر راهی که ممکن گردد آنها را سرکوب و استثمار میکند .

کشتار مغولهای جامعه ایخ جو در ۱۹۴۳ ، سرکوب مسلحانه اقلیتهای ملی سین جیان از ۱۹۴۴ تا امروز و کشتار خلق حوی در استان گان سو در سالهای اخیر ، همه نمونه‌های روشن این سیاست است . اینها مظاهری از ایدئولوژی و سیاست شوینیستی نادرست حان است .

دکتر سون یاتسن در ۱۹۲۴ در « مانیفست نخستین کنگره ملی گومیندان » نوشت که « اصل ناسیونالیسم گومیندان بدو معنی است : نخست آزادی ملت چین و سپس برابری همه ملیتها در چین » و « گومیندان با صدای رسا اعلام میدارد که در چین حق همه ملیتها را در تعیین سرنوشت خویش برسمیت میشناسد و هنگامی که انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری نظامی به پیروزی انجامید ، جمهوری آزاد و متحد چین (اتحاد آزادانه همه ملیتها) برقرار خواهد گشت . »

حزب کمونیست چین با این سیاست دکتر سون یاتسن در مورد ملیتها موافقت کامل دارد . کمونیستها باید فعالانه به مردم همه اقلیتهای ملی یاری دهند تا برای تحقق این سیاست مبارزه کنند ، به همه آنها و از آنجمله بهمه رهبران آنها که با توده‌ها پیوند دارند کمک رسانند تا برای آزادی و رشد سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی خود پیکار کنند و ارتش‌های ویژه خود را پدید آورند تا ضامن منافع خلق باشد . زبانهای گفتنی و نوشتنی آنها ، عادات و رسوم و معتقدات مذهبی آنها باید محترم شمرده شود .

روشی که منطقه سرزی شنسی - گان سو - نین سیا و مناطق آزاد شده شمال چین سالها است در قبال اقلیتهای مغول و حوی در پیش گرفته‌اند صحیح است و کاری که انجام گرفته ثمربخش بوده است .

۱. - مسئله سیاست خارجی

حزب کمونیست چین منشور آتلانتیک و قطعنامه های کنفرانس های بین المللی مسکو، قاهره، تهران و کریمه (۱۱) را تأیید میکند زیرا که این تصمیمات به پیروزی بر مهاجمین فاشیست و حفظ صلح جهانی کمک رسانیده اند.

اصل اساسی آن سیاست خارجی که حزب کمونیست چین از آن پیروی میکند چنین است: چین باید بر مبنای غلبه کامل بر مهاجمین ژاپنی و حفظ صلح جهانی، بر اساس احترام متقابل به استقلال و تساوی حقوق و براساس تأمین منافع متقابل و دوستی میان کشورها و خلقها با همه کشورها روابط سیاسی برقرار سازد، به تقویت و تحکیم این روابط پردازد، و همه مسائل مشترک مانند هم آهنگی عملیات نظامی در جنگ، کنفرانس های صلح، تجارت و سرمایه گذاری را حل کند.

حزب کمونیست چین پیشنهادات کنفرانس دمبارتن اوکس و تصمیمات کنفرانس کریمه را در مورد ایجاد سازمانی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی پس از جنگ تأیید میکند. حزب کمونیست چین کنفرانس ملل متحد را در سان فرانسیسکو تهنیت میگوید. حزب کمونیست چین نماینده ویژه خود را در هیئت نمایندگی چین در این کنفرانس تعیین کرده است تا مابین خواستهای خلق چین باشد (۱۲).

ما معتقدیم که دولت گویندگان باید به خصوص خود نسبت به اتحاد شوروی خاتمه دهد و روابط چین و شوروی را عاجلاً بهبود بخشد. اتحاد شوروی نخستین کشوری بود که از قراردادهای ناساوی صرف نظر کرد و قراردادهای جدیدی بر اساس تساوی حقوق با چین امضا نمود.

در زمان نخستین کنگره ملی گومیندان که در ۱۹۲۴ توسط دکتر سون یاتسن دعوت شد و لشگرکشی بشمال که بدنبال آن آمد، اتحاد شوروی یگانه کشوری بود که به جنگ آزادیبخش چین کمک رسانید. هنگامیکه در ۱۹۳۷ جنگ مقاومت ضد ژاپنی آغاز گردید باز هم اتحاد شوروی نخستین کشوری بود که علیه متجاوزین ژاپنی به چین یاری کرد. خلق چین از دولت شوروی و از خلق شوروی بخاطر این کمک مهاس گزاری میکند. ما معتقدیم که حل کامل و نهائی مسائل منطقه اقیانوس آرام بدون شرکت اتحاد شوروی ممکن نیست.

ما از دول کلیه کشورهای متفق و در درجه اول از آمریکا و انگلستان میخواستیم که بصدای توده‌های وسیع خلق چین توجه جدی مبذول دارند و با اتخاذ سیاست خارجی که برخلاف اراده خلق چین باشد در دوستی خود با خلق چین خللی وارد نیاورند. ما بر آنیم که هر گاه دولتی خارجی به مرتجعین چین کمک کند و با اسر دموکراتیک خلق چین بمقابله برخیزد مرتکب اشتباه بزرگی خواهد شد.

خلق چین قدم‌هایی را که بسیاری از دول خارجی در انصراف از قراردادهای نامساوی خود و در انعقاد قراردادهای جدیدی بر اساس تساوی حقوق با چین برداشته تهنیت میگوید. معذک ما بر آنیم که انعقاد قراردادهای مساوی بخودی خود بمعنی آن نیست که چین حقیقتاً به تساوی واقعی حقوق نائل آمده است. تساوی حقیقی و واقعی هیچگاه هدیه دولتهای خارجی نیست؛ خلق چین باید آنرا بطور عمده با کوشش‌های خویش بدست آورد و راه بدست آوردن آن بنای چین دموکراتیک نوین است در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. در غیر اینصورت استقلال و تساوی حقوق فقط صوری است و نه واقعی.